در میزگرد نسل فردا بررسی شد: کارکردهای اجتماعی واقعه عاشورا

حسین(ع)؛ شهروند آسمانی زمین

نگار احمدی

واقعه عاشورا یکی از ماندگارترین حوادث تاریخی در جهان اسلام است. این ماجرا فقط در ظهر عاشورا تمام نشد. در واقع از ظهر عاشورا به بعد، جریانی در تاریخ شکل گرفت که همچنان رو به افزایش و گسترش است. بعد از این نیز چنین روندی ادامه خواهد یافت. قیام امام حسین (ع) و یارانش در کربلا، که به شهادت آن حضرت منجر شد، نه تنها تأثیرات مستقیم دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بر شرایط دوران خود گذاشته است، بلکه در طول تاریخ نیز تأثیرات بلندمدت و عمیقی بر مسلمانان، بالاخص ایرانیان، داشته است. در این میزگرد که در دفتر روزنامه نسل فردا با حضور مهندس رضا محزونیه مدیر مسئول روزنامه نسل فردا و اساتیدی چون حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی غلامی استاد دانشگاه، حجت الاسلام والمسلمین محمد قطبی، مدیر سابق اداره ارشاد استان اصفهان، حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی مسائلی نویسنده و استاد دانشگاه و دکتر حسین علیان استاد دانشگاه و فعال فرهنگی - مذهبی برگزار شد، تلاش شد نقش و کارکرد اجتماعی این واقعه بر جامعه ایرانیان مورد بررسی و دقت قرار گیرد. متن این میزگرد را از نظر می گذرانید:

انقلاب اسلامی ایران در واقع احیا گر کارکرد اجتماعی واقعه عاشورا بوده است

غلامی: قبل از اینکه راجع به کارکردهای اجتماعی عاشـــورا صحبت شود در ابتدا لازم است اثبات شود که دین کارکردهای اجتماعی دارد. متاسفانه کارکردهای اجتماعی دین کمتر مورد ارزیابی و بررسی بسیاری از کارشناسان در حوزه علوم اجتماعی قرار گرفته است. انقلاب اســـلامی ایران در واقع احیاگر کارکرد اجتماعی واقعه عاشورا بوده است. اگر از دوره صفویه تا قاجاریه را بررسی کنیم متوجه خواهیم شد آنچه که در این برهه زمانی غالب بوده است غلبه گریه و مصیبت بوده است. اکثر کتاب هایی که در این دوران نوشته شده است با عناوینی نظیر «طوفان البکاء»، «جوهر البکاء»، «اکثیر المسائل» است که تنها از بعد مصیبت و گریه و زاری به واقعه عاشورا نگریسته شده است. از دوران مشروطه به این سو نگاه مان به عاشورا نگاه متعادل تری شده است. البته باید نگاه به عاشورا مانند نگرشمان به قرآن، نگاه جامعی باشد. در دوره هایی مثل دوران مشروطه بیشتر با نگاه تجدد و ضدیت با خرافات، بحث عاشورا مطرح شده است. از دهه ۴۰- ۵۰ قبل از انقلاب، نگاهی شهادت طلبانه نسبت به عاشورا به خصوص در آثار دکتر شریعتی شاهد هستیم. مرحوم شهید مطهری، نگاه جامع تری نسبت به واقعه عاشورا دارد. ایشان با حفظ نگاه عرفانی و نگاهی که نسبت به شهادت طلبی و ایثار دارد نگاهی اجتماعی هم دارد به طوری که بر روی عنصر امر به معروف و نهی از منکر و احیای سنت و سیره پیامبر بسیار تاکید می ورزد. در دوره های بعد از انقلاب اسلامی بیشتر از جنبه های شهادت عاشورا بهره برده‌ایم. منتهی نباید صرفا بر این بعد اکتفا شود. برخی از متفکران مسلمان نظیر مولوی، عمان سامانی، محتشم کاشانی نگاه عارفانه به عاشورا داشتند اما بُعد اجتماعی عاشورا، مغفول مانده بود. در دوره معاصر برخی از نویسندگان مصر و الازهر و برخی از متفکران شیعه به این جنبه اجتماعی عاشـــورا بسیار توجه داشتند. باید گفت در میان گفتمان های موجود دو گفتمان، برای نسل جوان جذابیت بیشتری دارد. یکی نگاه عقلانی جامعه شناسانه که خرد گرایانه است مثلا نگاه دکتر شریعتی، برای نسل جوان در ارتباط با عاشورا بسیار جذابیت دارد و دیگری نگاه عارفانه و ایثارگرانه است. شهید مطهری، بر این عقیده است که ما باید ضمن حفظ جنبه اجتماعی و ضمن حفظ جنبه ایثارگرانه و عارفانه یک نگاه جامع داشته باشـــیم؛ چرا که تفاسیر تک بعدی نسبت به واقعه عاشورا، آفت زا هستند. نگاه صرف جامعه شناختی در واقع تنزل دادن واقعه عاشورا است. چرا که ما در این واقعه با یک امام معصوم مواجه هستیم. امامی که علم غیب دارد و با یک انسان معمولی که یک قیام و شورش زمینی و عادی را انجام داده است، تفاوت دارد. برخی از افراد هم نگاهی شخصی و تعهدی نسبت به عاشورا دارند و این واقعه را به ماجرای ابراهیم و اسماعیل تشبیه می کنند آنچه که میان ابراهیم و فرزندش اسماعیل گذشت اگر چه نشان دهنده اوج کمال است، اما این ســـوال مطرح می شود که آیا می توان این نوع نگرش را الگویی برای کل جامعه قرار داد و از همه مردم خواست که برای اثبات ایمان و یقین خود به ذبح کردن فرزندشان بپردازند؟! مسلما این نوع نگرش کارکرد اجتماعی ندارد. برخی امام حسین(ع) و واقعه عاشورا را به داستان ابراهیم و اسماعیل تشبیه می کنند. از نظر کمالی و عرفانی اگر چه این نوع نگاه درست است، اما این نوع نگرش نمی تواند کارکرد اجتماعی داشته باشد و صرفا نگاهی عارفانه است. و نگاه تک بعدی نمی توان به این واقعه داشت چون آفت زاست. البته عواملی سبب شده است جامعه و برخی از کارشناسان نگاه اجتماعی به عاشورا نداشته باشند. یکی از این عوامل تقلیل دین به امری فردی و شخصی است. این افراد دین را امری فردی می دانند که ربطی به اجتماع ندارد. برخی ها نیز دین را امری ذهنی می دانند که صرفا ایدئولوژی و تفکر افراد را در گیر خود می سازد و با عینیت جامعه انسانی کاری ندارد! برخی هم دین را پناهگاه و مفری برای تحمل سختی ها می دانند. این افراد وقتی سختی هایشان رفع شد و زمانی که وارد اجتماع شدند دیگر با دین کاری ندارند. این در حالی است که دین کارکردی اجتماعی دارد و نمی تواند از زندگی روزمره افراد جدا شود.

عزاداری امام حسین(ع)، هدف نیست بلکه وسیله است

مسائلی: در تکمیل صحبت های آقای دکتر باید بگویم یکی دیگر از عواملی که سبب شده است برخی از افراد به کارکردهای اجتماعی واقعه عاشورا بی توجه باشند این است که خود اصل عزاداری گاه تبدیل به هدف می شود. مخصوصا از عصر صفوی به بعد! که این موضوع خود مسبب ایجاد تحریفاتی در این واقعه شده است. بسیاری از افراط ها در عزاداری ها از همین علت نشأت گرفته است. قمه زنی و آسیب رسانی به جسم از سوی برخی از این افراطیون نشأت گرفته است. از همین دیدگاه است که عزاداری عاشـــورا را تنها یک هدف تلقی می کنند. اگر از این افراد تندرو سوال شود که اشک ریختن برای امام حسین(ع) ثواب بیشتری دارد یا قمه زدن؟ از آنجایی که این عزاداری را هدف تلقی کرده اند چنین می اندیشند که هر چه خشن تر و با نمادهای بیرونی بیشتر عزاداری کنند به هدف خود بیشتر دست یافته اند بنابراین این افراد قمه زنی را با ارج و ثواب بیشتری همراه می بینند! آنها کمیت اعمال را آن هم به خشـــن ترین شکل ممکن جایگزین کیفیت برگزاری مراسم کرده اند. این در حالی است که معرفت امام حسین(ع) و اشـــک ریختن همراه با این معرفت اگر سبب شود افراد به نهضت عاشورا متصل شوند طبیعتا ارزش بیشتری خواهد داشت. باید به کسانی که عزاداری را هدف تلقی می کنند، گفت: عزاداری امام حسین(ع) هدف نیست؛ بلکه وسیله ای برای اتصال افراد به نهضت امام حسین(ع) است و نباید در عزاداری های محض متوقف شد. عزاداری های بدون پشتوانه که نمود بیرونی در اجتماع نداشـــته باشند سبب می شـــود کارکرد اجتماعی عاشورا مورد اغفال قرار گیرد. زمانی گفته می شد به کارکردهای اجتماعی عاشورا پرداخته نمی شود، اما امروز شاهدیم که روحیه تقابل با کارکردهای اجتماعی نهضت عاشـــورا در برخی از افراد ایجاد شده است و عده ای این کارکردهای اجتماعی را انکار می کنند. امروز دو گروه وجود دارند که کارکردهای اجتماعی عاشورا را ردمی کنند. اول افرادی که نظر آنها در جهت تحقق کارکردهای اجتماعی نیست. این افراد بیشتر نگاهی سیاسی به عاشورا دارند. روشنفکرانی نظیر سروش که اصل قیام بودن عاشورا را رد کرده است و یا افرادی نظیر کدیور! گروه دیگر سنت گرایان هستند. این دو گروه در صدد هستند نقش دین را از عرصه اجتماع حذف کنند. این دو گروه اگر چه در عمل با یکدیگر اختلاف دارند اما هر دو به این نقطه اشتراک می رسند.

نگاه عامیانه، عارفانه و عاقلانه به عاشورا

قطبی: نه تنها واقعه عاشورا بلکه ماندگاری تاریخی آن نیاز به بحث و بررسی دارد. زمانی که می گوییم "کارکردهای اجتماعی عاشورا" باید در ابتدا مشخص کنیم منظور ما از اجتماع چیست؟ آیا صرفا جمعیت انباشت شده انسان ها، دوره یا ادوار تاریخی و نسل های متعدد با دامنه وسیع است؟ دامنه وسیع هم محدود می شود به اینکه آیا منظور ما صرفا کسانی است که اعتقاد به عاشورا دارند که شیعه علوی است؟ یا کسانی است که نزدیک هستند مثل اهل تسنن یا ادیان دیگر که در مناسک و آیین های عزاداری شرکت می کنند. کما اینکه امسال هم ارامنه و مسیحیان هم بسیار پر رنگ در این مراسم شرکت کرده اند که در واقع نقطه قوتی در بعد مناسکی عاشورا بود. باید مشخص شود محدوده بحثی که می خواهیم وارد شویم کدام است؟ از طرفی باید مشخص شود منظور ما از کارکرد چیست؟ آیا صرفا تاثیر عاشورا در جامعه است یا نقش عاشورا یا پرداختن به بحث های نظری در این ارتباط! اگر چه در مبحث پرداختن به واقعه عاشورا نگاه ها را به سه دسته عارفانه، عاقلانه و عامیانه طبقه بندی کرده اند، اما باید گفت: نگاه های دیگر ترکیبی نیز به جز این سه دسته، وجود دارد. شهید مطهری، از جمله کسانی است که هم نگاه عاقلانه به این واقعه دارد و هم نگاه عارفانه و هم نگاه عامیانه. نگاه عامیانه بیشتر از زاویه مناسک است که مراسمی گرفته شود و خود عاشورا به عنوان یک هدف به آن نگاه شود در این نوع نگاه، مناسکی برگزار می شود. دسته‌های سینه زنی وجود دارد. البته افراد در کنار برگزاری مناسک در قالب سخنرانی هایی که می شود نسبت به این واقعه آگاهی هایی هم پیدا می کنند. بنابراین درست نیست که بگوییم نگاه عامیانه صرفا عامیانه است و اصلا عقلانیتی در آن نیست. مردم در این مراسم گریه می کنند؛ چرا که معتقدند حتی اگر به اندازه بال مگسی اشک بریزند موجب غفران خواهدشد. این نگاه نوعی نگاه عارفانه است. نگاه عارفانه نسبت به واقعه عاشورایی که در یک نیم روز اتفاق افتاد سبب انتقال برخی از مفاهیم به صورت نسل به نسل به افراد شده است و موجبات تعالی آنها را فراهم آورده است. این نوع نگاه، افراد را با مسیری آشنا می کند که آنها را رشد و تعالی می دهد. اما نوع نگاه دیگری هم وجـــود دارد و آن نگاه عاقلانه است که البته نباید نگاه عاقلانه را با نگاه روشنفکرانه نسبت به واقعه عاشورا یکی دانست. روشنفکری می تواند به معنای دگر اندیشی باشد و یا به معنای نگاه حکیمانه! بنابراین تفاوت در تفسیر از نگاه روشنفکری وجود دارد. بله اگر نگاه روشنفکری را یک نگاه حکیمانه عقلی و منطقی به یک حادثه بدانیم، می توانیم، بگوییم در اینجا روشنفکری، همان نگاه عاقلانه است. در نوع نگاه عاقلانه و حکیمانه بیشتر از زاویه تاریخی به این حادثه نگاه می شود. اینکه رویدادی اتفاق افتاد که این رویداد ابعادی دارد. نوع نگرش عاقلانه زمینه را برای بررسی تمامی ابعاد این واقعه تاریخی فراهم می کند. در این نوع نگاه بعد اجتماعی، فردی، سیاسی، عارفانه، تاریخی، خانوادگی، اخلاقی و ... همه این ابعاد بررسی می شود. یعنی همه جانبه نگر می شود. تاکید من این است که به عاشورا از تمامی این ابعاد نگریسته شود به ویژه در رسانه ها.

مداحان باید مستند حرف بزنند

غلامی: یکی از اساتید این ســـوال را مطرح کرد که آیا عاشورا و حرکت امام حسین(ع) قیام بوده است؟ پاسخ من این بود که اگر منظور از قیام حرکتی نظامی است باید گفت: نه! امام حسین(ع) تنها در یک نصف روز عاشـــورا از خود دفاع کـــرد. بنابراین قیام عاشورا به معنای حرکت نظامی از جانب امام حسین(ع) نبوده است. امام بیعت نکرد، زیر بار ذلت نرفت و تمام این موارد حالت دفاعی داشته و نه نظامی! از طرفی نهضت عاشورا نهضتی جامع با ابعادی گسترده است. اگر واژه امام حسین(ع) را بررسی کنیم از ایشان به عنوان یک مصلح، مبارز، انسانی جور ستیز، عارف و ... می توان یاد کرد. نگاه فدیه ای و کفاره ای به شهادت امام حسین(ع)، اصلا درست نیست و بر گرفته از دین مسیحیت است. اینکه تصور کنیم امام حسین(ع)، فدا شـــد تا کفاره ای برای گناهان مردم باشد درست نیست. کتابی منتشر شده است با عنوان «عاشورا در گذار و عصر ســـکولار»، در این کتاب، نفـــی قیام و انقلاب وجود دارد که از امام حســـین(ع) تنها تصویری از یک انســـان آرام و اخلاقی و اهل مدارا، ارایه شـــده است. مقاله آقای ملکیان «حسین(ع)، قدیس و قهرمان اخلاقی» نام دارد. در این مقاله، مثالی از شخصیت حسین(ع) می زند در جایی که امام به لشکریان دشمن هم آب داده است. این یکی از مباحث اخلاقی است که امام در عین حال که قیام می کند جنبه های اخلاقی را هم حفظ می کند. شهید مطهری معتقد است معرفی اسلام چاشنی ای از عاطفه و احساس را لازم دارد. اما ارتباط میان عاطفه و عقلانیت گرایی در اسلام باید مثلا نسبت ۸۰ به ۲۰ باشد؛ یعنی ۸۰ درصد عقلانیت گرایی و ۲۰ درصد داخل کردن عواطف و احساسات. نقش این ۲۰ درصد عواطف و احساسات بسیار مهم است؛ چرا که اگر واقعه عاشورا را بدون عواطف و احساسات در نظر بگیریم آن موج برای گرایش افراد به شناخت عقلانی و معرفتی ایجاد نخواهد شد. رهبر معظم انقلاب هم در دیدار با جمعی از مداحان فرمودند که حتی شما هم باید اشعاری که می خوانید جنبه هدایتی داشته باشد و شور و احساسات صحیح و منطقی را در مردم ایجاد کند. بنابراین باید عواطف حضور داشته باشند، اما نه در غیاب عقلانیت. باید اسلام را مستدل و مستند به مردم ارایه داد. باید هم سخنران مراسم عزاداری و هم مداحان، مستند حرف بزنند تا بهانه به دست برخی از مخالفین نیفتد که اســـلام دینی غیر منطقی و بدون کارکرد اجتماعی است! اسلام فاقد بعد اجتماعی نمی تواند انسان را به کمال برساند. اخلاق اگر در عرصه اجتماعی قرار نگیرد، معنایی ندارد. تفاوت انبیا با صوفیان عارف نمایی که یکی از آنها گفته بود اگر من جای پیامبر بودم و به معراج می‌رفتم دیگر به زمین باز نمی گشتم به همین دلیل است که انبیا از میان مردم حرکت می کردند، اما صوفیان از کنار مردم عبور می کنند. رخداد عاشورا هم یک رویداد بریده از جامعه نیست. یک رابطه صرف میان عاشق و معشوق هم نیست. رخداد عاشورا، جامع تر از این نگاه ها و تفاسیر تک بعدی است. حسین(ع)، ضمن آسمانی بودن، زمینی است. حسین(ع) می خواهد آسمانی زیستن را به ما زمینیان یاد بدهد. یک انتقادی که به برخی از سخنرانان مذهبی وارد است اینکه وقتی از عاشورا صحبت می کنند صرفا از جنبه های آسمانی و ملکوتی این واقعه بزرگ و شخصیت‌های حاضر در صحرای کربلا صحبت‌می کنند. در این شرایط کسی که پای چنین صحبت‌هایی نشسته است این سوال را می پرسد برای من انسان زمینی که بعد از این مراسم باید به خانه و محل کار و جامعه ام باز گردم این نوع نگاه و این سخنان چه جایگاهی خواهد داشت؟! آیا کاربردی در زندگی روزمره من دارد؟ آیا من هم می توانم تا این اندازه ملکوتی باشم؟ و در پاسخ به این سوال می شنود که حسین(ع) آن قدر بزرگ است که تو، به گرد پای او هم نمی رسی! حال اصلا منظور، امام حسین(ع) هم نیســـت؛ بلکه منظور از این قیاس در سطح صحابه امام است که چنین به مردم القامی شود که این افراد کاملا آسمانی بوده اند و هیچکس به گرد پایشان نمی تواند، برسد! با این نوع نگرش، آیا عاشورا می تواند کارکرد و خروجی اجتماعی داشته باشـــد؟ وقتی افراد خود را ناتوان از دگر دیسی معنوی و اخلاقی می بینند؟! کسانی که انزوا می گزینند به این دلیل که نگاه اجتماعی به دین ندارند اگر چه از بسیاری از خطاها مبرا هستند، اما قرآن این سبک زندگی را بدعتی غلط می شمارد. زیارت امام حسین(ع) و سایر ائمه بستر را برای رستگاری افراد فراهم می کند و این خود فرد است که با اعمال و منش خود، باید برای رستگاری اش تلاش کند.

امام حسین(ع) با زن و فرزند در صحرای کربلا

محزونیه: عده‌ای بر این عقیده‌اند که برخی از افراد با وجود اینکه مظاهر مذهب را رعایت نمی کنند و حتی نماز نمی خوانند وقتی در مراسم امام حسین(ع) شرکت می کنند، همین مراسم می تواند به آنها کمک کند این رویه غلط را کنار بگذارند. دومین نکته ای که باید به آن بیشتر اشاره شود نقش خانواده امام حسین(ع) در قیام عاشوراست. آیا صرفا یک همراهی است، جنگیدن یا رسالت جنگیدن حضرت زینب و یا افرادی که گمنام هستند و خیلی در ارتباط با آنها صحبت نشده است؛ نظیر شوهر حضرت زینب (س)، چرا در مورد این افراد خیلی صحبت نمی شود؟ اصلا چرا امام حسین(ع) با زن و فرزندان و حتی فرزند شیرخوار به صحرای کربلا رفتند؟ آیا این امر اجبار بود یا اختیار؟

نگاه متفاوت امام حسین(ع) به مسایل، یکی از عوامل قیام بوده است

غلامی: کتابی با عنوان «تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهدا» نوشته شده است. در پاسخ به این ســـوال شما که چرا برخی از اعضای خانواده امام حسین(ع) در صحرای کربلا نبوده اند در این کتاب توضیحات خوبی داده شده است. قطعا این افراد پیرو بنی امیه نبوده اند. در واقع نگاه متفاوت امام حسین(ع) نسبت به نگاه معیشتی و کوتاه مدت بنی امیه یکی از عوامل این قیام بوده است.

مفاهیم عاشورا را به اجتماع تزریق کنیم

علیان: این سوال همیشـــه برای بنده مطرح بوده که آیا بحث عاشورا صرفا قرار اســـت یک افق را به ما نشان دهد یا اینکه قرار است وارد لایه های زندگی ما شـــود؟ آیا می توانیم این ادعا را داشته باشیم که در لایه های مدیریت سازمان های ما آموزه های فکری عاشورا، می تواند، وارد شود؟ آیا می توانیم الگوی خوبی از یک خانواده عاشورایی با تأسی از واقعه عاشورا داشته باشیم؟ ما با واقعه عاشورا خواهیم توانست به دو شکل برخورد کنیم. یا اینکه از هر کدام از شخصیت های صحرای کربلا و از کل واقعه عاشورا تنها یک تابلو عرفانی زیبا بسازیم و در این مرحله متوقف شویم و یا اینکه تلاش کنیم مفاهیم عمیق عاشورا را به لایه های درونی اجتماع تزریق کنیم. جوان امروز به مراسم عزاداری می‌رود و واقعه عاشورا را می شنود و احساس می کند اما این سوال را هم مطرح می کند که تا چه اندازه این واقعه می تواند در زندگی عینی اش تاثیر گذار باشد؟ جوانی که می خواهد ازدواج کند، جوانی که در جامعه مشغول فعالیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، تا چه اندازه توانسته ایم به صورت عملی مفاهیم عاشورایی را به او تزریق کنیم؟ در حدی که این مفاهیم نمود بیرونی در زندگی او پیدا کند! اکثر افراد سوالاتی که در ارتباط با عاشورا دارند در ارتباط با "چگونگی "قیام عاشوراست و نه "چرایی "آن! این در حالی است که چرایی این واقعه اهمیت بیشتری نسبت به چگونگی آن دارد. در صورت دریافت چرایی واقعه، فرد می تواند به لایه های معرفتی در این زمینه دست پیدا کند. عاشورا یک مورد مطالعاتی بسیار قوی است که می توان پرسشگری افراد را به این سمت هدایت کرد. شهید مطهری می فرماید: ما در عاشوراهایمان به دنبال شور بدون شعور و احساس بدون عرفان هستیم. باید دید آیا بعد از این عزاداری ها جوان ما تغییر کرده است؟ منظور تغییر پایدار است و نه هیجانات و تغییرات زودگذر! زیارت امام حسین(ع) را خواندن بسیار پر برکت است، اما آنچه که اهمیت بیشتری دارد این است که ما بتوانیم به اندیشـــه های امام حسین (ع) نزدیک شویم. حال این سوال مطرح می شود که ما تا چه اندازه توانسته ایم در مراسم های عزاداری بچه ها و جوانان را با اندیشه های امام حسین(ع) آشنا کنیم؟! در مراسم های ما حتی بر روی تبلیغاتی که می شود اسم مداح درشت تر و بزرگ تر از سخنران نوشته می شود که این موضوع ناخودآگاه نشان می دهد که اهمیت مداح در مراسم‌های عزاداری به مراتب بیشتر از سخنرانی است که قرار است اندیشه‌های امام حسین(ع) را برای مردم ارایه دهد! خیلی مواقع مداح مراسم به دلیل اهمیتی که به او داده می‌شود چنین تصور می کند که می تواند بدون مطالعه در مورد امام حسین(ع) شروع به ارایه نظرات غیر کارشناسانه کند. گاهی جهل هایی وجود دارد که مانع از جاری شدن جریان عاشورا و تفکر عاشورایی در زندگی روزمره افراد می شود. یکی از آنها این است که برخی فکر می کنند هیچگاه نخواهند توانست عاشورایی شوند. این افراد فکر می کنند تنها باید عزاداری کنند تا ثواب ببرند؛ چرا که عاشورایی شدن امکان پذیر نیست. کتابی از محقق میرداماد تحت عنوان «جهل مقدس» وجود دارد که به این موضوع اشـــاره می کند. اینکه فرد جهل مقدسی دارد که امکان تحرک را از او گرفته است.

عاشورا ابزار سیاسی برای سرکوب دیگران نیست

مسائلی: نباید نگاهمان به عاشـــورا را صرفا بـــه همان ده روز عاشورا محدود کنیم. این نوع نگاه فرد را به خطا می برد. بحثی که می خواهم مطرح کنم و لازم است که مدیریت و هدایت شود بحث غیرت دینی است. انگیزه قیام عاشورا و نهضت های پس از آن بر محوریت همین غیرت دینی است. گاهی اوقات مشاهده می شود که این کارکرد مهم عاشورا هدایت نمی شود تا در مسیر بصیرت‌افزایی قرار بگیرد. گاه کسانی که عضو جریان های سیاسی مختلف هستند از این غیرت دینی در جهت کوبیدن و سرکوب جریان مقابل استفاده ابزاری می کنند. در فضای سیاسی کشور، مشاهده کردیم که در جریان دست دادن وزیر امور خارجه با اوباما، هر کس از این واقعه روایتی را برای سرکوب جناح مقابل استفاده کرد. باید بصیرت افزایی در غیرت، دینی شود و محور آن کاملا مشخص شود. گاهی تعصب و حمیت جاهلانه به نام غیرت دینی تعبیر می شود. که باید با بصیرت در این ارتباط برخورد کرد. غیرت دینی امام حسین(ع) اجازه نداد با یزید بیعت کنند. باید این غیرت دینی را هدایت کرد تا استفاده ابزاری از نهضت امام حسین(ع) برای کوبیدن جریان های سیاسی نشود.

عاشورا عاملی برای ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی

قطبی: متاسفانه در پاسخ به این سوال آقای دکتر علیان مبنی بر اینکه تا چه اندازه توانسته ایم عاشورا را به لایه های اجتماع بکشانیم باید بگوییم هنوز نتوانسته ایم این امر را آن طور که باید و شاید عملیاتی کنیم. اینکه امام حسین (ع) در اوج جنگ، به دشمن آب می دهد تنها یک اتفاق ساده نیست؛ بلکه می توان در مدیریت سازمانی از همین صحنه و مفهوم عمیق آن بهره برد. باید بتوان اصول را از این واقعه استخراج کرد، نظام سازی کرد و در زندگی روزمره افراد از آنها بهره برد. اگر در مراسم های عزاداری ابعاد عاطفی را کنار بگذاریم متوجه می شـــویم. متاسفانه بعد عقلانی این مراسم ها خیلی پر رنگ نیست. باید به این سمت حرکت کرد که عقلانیت گرایی را در این مراســـم افزایش داد و دستیابی به این هدف، طول خواهد کشید. البته اگر تاریخ را بر مبنای واقعه عاشورا به دو بخش تقسیم کنیم یعنی قبل از عاشورا و بعد از عاشورا متوجه خواهیم شد که تغییر و تحولاتی در سطح جامعه روی داده اســـت از جمله در حوزه اسطوره. از عاشورا به بعد به تدریج نهضت اسطوره زایی اتفاق افتاد. اسطوره می تواند جریان معنوی زندگی بشر را هدایت کند و به آن معنا ببخشد. امام حسین (ع) یارانش و حتی برخی شخصیت ها که بعدها به این ماجرا پیوستند نظیر مختار، اسطوره هایی تلقی می شوند که نهضت تازه ای را در زمینه اســـطوره زایی ایجاد کردند. این اسطوره‌ها یکی از تاثیرات عمیق و بلند دامنه ای بود که به واسطه واقعه عاشورا در زندگی مردم جاری و ساری شد. در حوزه ادبیات و شعر هم بســـیار تاثیر گذار بوده است. شعرهای آیینی، حتی حافظ و مولانا، رعشه هایی از عاشورا در شعرشان تجلی یافته است. لطف و احسان، دشمن ستیزی، ایثار و فداکاری، وفاداری و سایر مفاهیم پس از واقعه عاشورا حتی در اشعار شاعرانی که نمی خواستند از عاشورا بسرایند تجلی یافته بود. در معماری ما و در آرایه ها و تزیینات که در منازل و به خصوص در تکایا استفاده می شود مفاهیم معنوی عاشورا رسوخ پیدا کرده است. عاشورا حتی برای اقتصادمان هم پر برکت بوده است. اگر در حوزه اقتصاد و دین و یا اقتصاد و فرهنگ بررسی داشته باشیم متوجه می شویم که اعداد و ارقام مربوط به وقف و نذر اگر چه از لحاظ عددی خیلی قابل محاسبه نیست، اما می تواند تنه بزند به گنج‌ها و سرمایه‌های مادی بسیاری. حضرت امام خمینی در پاسخ به سوال یک نفر در یکی از کلاس هایش مبنی بر اینکه اگر حکومت اســـلامی شما شکل بگیرد مبنای اقتصادی آن را چگونه تامین می کنید؟ ایشان فرمودند: وقف و نذری که برای خاطر ائمه (ع) توسط مردم انجام می شود آن قدر زیاد است که می تواند نیازهای ابتدایی تشکیل یک حکومت اسلامی را تامین کند. وقف هایی که برای سید و سالار شهیدان امام حسین (ع) انجام می شود پر رنگ تر از بقیه وقوفات و نذورات است که همین امر برای وقوع یک رویداد بزرگ سیاسی می تواند، مدد دهنده باشد. انقلاب ما یک رویداد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بی نظیر بود که بخش عمده ای از این اتفاق و رویداد بزرگ، مبتنی بر وقف هایی بود که نسبت به حضرت سیدالشهدا اتفاق افتاده بود. عزاداری که شکل می گرفت به خاطر وقف هایی که صورت گرفته بود و در همین عزاداری ها بود که مردم نسبت به خیلی مسایل جامعه و مسایل سیاسی روشنگر می شدند و هیجان و حماسه سیاسی در مردم از همین مراسم‌های عزاداری به وجود آمد که در نهایت منجر به انقلاب اسلامی شد. زندگی ما شیعیان که ارتباط نزدیک و التزام بیشتری نسبت به واقعه عاشورا دارد تا اندازه ای به امام حسین(ع) گره خورده است که اگر یک روز بخواهیم تمام مفاهیم حسین(ع) را از زندگیمان حذف کنیم شبیه به ساختمانی خواهیم شد که اساس و هسته درونی آن بیرون کشیده شده در نتیجه ویران شده است. نشانه های متعددی بر گرفته از عاشورا به صورت پنهان و آشکار در زندگی ما دیده می شود. پرچم ها و کتیبه های موجود در تکایا تا ذکر یا حسین(ع) که هنگام آب خوردن استفاده می کنیم نشانه های تصویری و آوایی است که شاید خیلی به آن توجه نمی کنیم، اما در متن زندگی ما وجود دارد و تبدیل به قفل و بست زندگی اجتماعیمان شده است. یک جامعه نیاز به قوام و انسجام دارد تا ســـرمایه های اجتماعی در آن شکل بگیرد. شاید بتوان گفت: بهترین چسب و قوام دهنده لایه های مختلف اجتماعی دین و علی الخصوص روح حاکم امام حسین(ع) و عاشورا بوده است که افراد را در کنار یکدیگر قرار می دهد و همبستگی و وفاق ایجاد می کند. جامعه بدون این روح حاکم، تبدیل به یک جامعه لخت بی روح خواهد شـــد که قوام اجتماعی ندارد. این موضوع دیده نمی شود، اما احساس می شود و تلویحا شاهد آن در متن اجتماع هستیم.

نذورات دارای کارکرد اجتماعی هستند

غلامی: عده ای بر این عقیده اند که هزینه حاصل از نذورات در دهه محرم را صرف محرومین و بیماران باید کرد. باید در پاسخ به این گونه افراد گفت: این دو مانعة الجمع نیستند. می توان نذورات در این دهه را جهت داد به نحوی که نذورات به دست محرومین و بیماران برسد. اما نباید با این دید پیش رفت که نذورات را باید حذف کرد. کسی که نذر می کند یک نوع پیمان مقدس میان انسان و خداوند بسته است. برای همین علما می گویند که باید صیغه‌ای خوانده شود تا نذر شرعی شود. این پیمان مقدس اثرات زیادی در جامعه دارد. نذورات دارای کارکرد اجتماعی هستند. از سوی دیگر جامع امروز ما با مسئله ای به نام گسست نسل ها مواجه است. عاشورا توانسته است این گسست نسل ها را حل و فصل کند. اگر سن حاضرین در صحرای کربلا را بررسی کنید متوجه می شوید که از تمام سنین در این صحنه حضور دارند از علی اصغر شـــش ماهه تا علی اکبر ۲۳ ساله، قاسم ۱۳ ساله ،ابوالفضل ۳۴ ساله و امام حسین(ع) ۵۷ ساله ما تمام این افراد را داریم در دورانی که اوج فساد و عیاشی ها را در جامعه شاهدیم. معاویه یک صحابه اســـت و علی صحابه ای دیگر. معاویه یزید تحویل جامعه می‌دهد و علی، حسین(ع) را تحویل جامعه می دهد. حضرت ابوالفضل در ۱۴ سالگی پدر خود را از دست داده است جزو امامان معصوم هم نبوده، اما ببینید که چگونه تربیت شده است که تا پای جان و تا آخرین لحظه در کنار برادرش حسین(ع) می ایستد. عاشورا مسئله گسست نسل ها را حل کرده است به گونه ای که افراد را طوری تربیت کنیم که این شکاف باعث دور شدن آنها از یکدیگر نشود.

دکتر علیان: در ارتباط با گسست نسل ها و نقش عاشورا در حل و فصل این مسئله ما نمی توانیم تاریخ را در نظر نگیریم؛ چرا که امروز سیر تحولات تحت تاثیر تکنولوژی های روز، بسیار شدید است و حتی کارشناسان پیش بینی کرده اند اگر امروز تفاوت بین متولدین دهه ۶۰ با دهه ۷۰ است، اما در چند سال آینده تفاوت به سال می رسد یعنی متولدین سال ۹۳ با متولدین سال ۹۴ به لحاظ برخی ویژگی ها متفاوت خواهند بود. در ارتباط با نذورات هم به نظر می رسد وظیفه روشنفکران دینی این است که بتوانند به هدایت این موضوع و کانالیزه کردن آن بپردازند.

هر مذهبی نیاز به هیاهو دارد

غلامی: من فکر می کنم آنچه که درســـت است را باید حفظ کنیم و اگر آسیبی هست این آســـیب ها را رفع کنیم و نکات مثبت را در عرصه های مختلف گســـترش دهیم. امام خمینی جمله معروفی دارند که می گوید: هر مذهبی نیاز به هیاهو دارد. ما گاه نیاز به این هیاهوی درست داریم. باید شور را ایجاد کرد تا شعور را بتوان ایجاد کرد. اینکه برای مردم اصل و ذات عزاداری عاشورا به حاشیه می رود و این موضوع، مهم تر تلقی می شود که در کشور چند عَلَم وجود دارد و هر عَلَم چند تیغ دارد و بزرگ ترین عَلَم حضرت عباس در کشور چه اندازه وزن دارد این موضوعات همان حاشیه‌ها و آسیب هاست که ما را از اصل دور می کند.

فلسفه این همه ارادت به حسین (ع) چیست؟

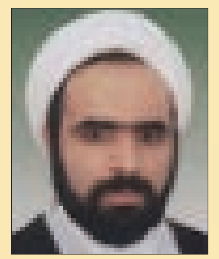

حجت الاسلام مسلم‌محمدی

ایام اربعین حسینی است، عشق و ارادت مردم، موجی وســـیع در انداخته و فوجی عظیم را به سوی خاک کربلا کشانده است. راستی چرا امروز از شرق تا غرب عالم واژه حسین دل نوشته ای فراگیر شـــده و همواره در حال گسترش است؟

اگـــر نیـــم نگاهـــی بـــه تاریخچـــه ارادت و عـــزاداری امام حســـین(ع) از آغاز تا کنون داشته باشیم، می بینیم این مسئله در دل و جان مردم ریشه دوانده است.

روز ۱۱ محرم سال ۶۱ هجری عزاداری ها و همراه آن مبارزات خاندان نبوت شروع شـــد، خطبه های تاریخی حضرت زینب (س) و امام سجاد(ع) در بلاد مختلف از کربلا تا مدینه که در نهایت منجر به گریه و اشک مردم بر جگر گوشه پیامبر (ص) می شـــد، و زمینه قیام های فراوانی را فراهم آورد نمونه های روشن آن است.

داستان سفیر روم و دفاع از امام حسین در مجلس یزید که منجر به شهادت او به دستور یزید میشود و نوحه سرایی و دفاع جان نثارانه کسانی مانند عبدالله بن عفیف ازدری نابینا در مسجد کوفه در مقابل سخنرانی ابن زیاد و کشـــته شدن او در این راه نمونه دیگری از عزاداری در همان آغازین روزهای شهادت امام حسین است.

همواره عزاداری بر حسین (ع) را در سیره وسنت همه ائمه (ع) می بینیم، به گونه ای که با تمام جـــو اختناق و خفقان دوران بنی‌امیه و بنی عباس، هیچگاه ذکر مصائب اهل بیت در آن روز تاریخی فراموش نمی شود.

شاید عجیب باشـــد که عزاداری علنی برای امام حسین (ع) نخستین بار در سال ۳۵۲ ق (پس از حدود سه قرن) و در زمان آل بویه آغاز گردید. و این یک نقطه عطفی بوده است. اما در ادامه این ارادت به جایی رسید که در یکی از سال ها وقتی روز عاشورا مصادف با عید ایرانیان گردید، مردم عزاداری کردند و مراسم عید را به تأخیر انداختند.

البته در دوره های بعد گاه زمینه های عزاداری به صورت علنی فراهم می شد و گاه با سختگیری های حاکمان با ترس و وحشت انجام می شد. و در نهایت، زمان حاضر، اوج گسترش عشق به امام حسین (ع) در دنیاست، اگر تا چند سال پیش فقط چند کشور دارای جمعیت شیعه به عزاداری می پرداختند، اما امروز علاوه بر شیعیان و بسیاری از مردمان اهل سنت، بدون اغراق شاید نتوان کشوری را پیدا کرد که حد اقل یک مراسم و ابراز ارادت مختصر برای امام شهیدان برگزار نکند. تا جایی که هند، روز عاشورا از سوی دولت مرکزی تعطیل رسمی اعلام می کند که شاید به خاطر سخن معروف گاندی ناجی بزرگ هند باشد که در عظمت امام حسین گفت: قیامش علیه انگلیسی ها را از او فرا گرفته است، و مسلمانان ترکیه تقاضای تعطیلی رسمی از دولت می کنند. حتی در شهری مانند لندن و بسیاری دیگر از شهرها و کشورهای اروپایی مجالس متعددی در ارادت به حسین (ع) در محرم برگزار می شود.

این همه ارادت برمی گردد به همان سخنی که ائمه(ع) برای همیشه تاریخ بشر نوید داده اند که امام حسین(ع) حرارتی در قلوب دارد که هیچگاه سرد نمی شود. چرا که بشریت همواره به دنبال الگویی می گردد که هم مظهر اخلاق و انسانیت باشد و هم زمینه های نجات و کمال او را فراهم آورد. به جز حسین (ع) چه کسی می تواند این نقش را در زندگی بحران زده انسان امروز به خوبی ایفا کند؟

از این رو همواره انگیزش های برآمده از مراسم های حسینی زمینه ســـاز انقلاب ها و تخولات ماندگاری در جهان اســـلام گردید، و چه خوب حضرت امام خمینـــی (ره) مرد اول تاریخ معاصر جهان به توصیف این پدیده الهی پرداخت که ما هر چه داریم از این محرم است و این مجالس. حقیقتی که دشمنان و یهودیان نیز لب به اذعان و اعتراف به آن گشودند که رمز بیداری و مقاومت شیعه به پرچم سرخ کربلا و عاشورا گره خورده است. امید است این ظرفیت عظیم فکری - فرهنگی، در گسترش اخلاق و انسانیت به خوبی تحلیل و معرفی شود و ما نیز زمینه آشنایی بیشتر جهان را با این ظرفیت بی بدیل فراهم آوریم.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

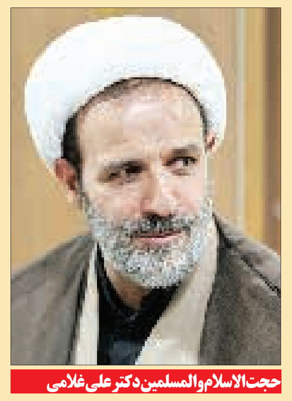

حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر علی غلامی

اگر واژه امام حسین(ع) را بررسی کنیم از ایشان به عنوان یک مصلح، مبارز، انسانی جور ستیز، عارف و ...می توان یاد کرد. نگاه فدیه‌ای و کفاره‌ای به شهادت امام حسین، اصلا درست نیست و بر گرفته از دین مسیحیت است

حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر مهدی مسائلی

گاهی تعصب و حمیت جاهلانه به نام غیرت دینی تعبیر می شود. که باید با بصیرت در این ارتباط برخورد کرد. غیرت دینی امام حسین (ع) اجازه نداد با یزید بیعت کنند. باید این غیرت دینی را هدایت کرد تا استفاده ابزاری از نهضت امام حسین (ع) برای کوبیدن جریان های سیاسی نشود

حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدقطبی

اینکه امام حسین(ع) در اوج جنگ، به دشمن آب می‌دهد تنها یک اتفاق ساده نیست؛ بلکه می توان در مدیریت سازمانی از همین صحنه و مفهوم عمیق آن بهره‌برد. باید بتوان اصول را از این واقعه استخراج، نظام‌سازی کرد و در زندگی روزمره افراد از آنها بهره برد

دکترحسین‌علیان

زیارت امام حسین(ع) را خواندن بسیار پر برکت است، اما آنچه که اهمیت بیشتری دارد این است که ما بتوانیم به اندیشه های امام حسین(ع) نزدیک شویم. حال این سوال مطرح می شود که ما تا چه اندازه توانسته ایم در مراسم‌های عزاداری، بچه ها و جوانان را با اندیشه های امام حسین(ع) آشنا کنیم؟!

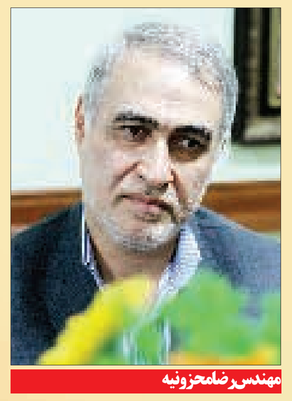

مهندس رضامحزونیه

نکته‌ای که باید به آن بیشتر اشاره شود نقش خانواده امام حسین(ع) در قیام عاشوراست. آیا صرفا یک همراهی است، جنگیدن یا رسالت جنگیدن حضرت زینب(س) و یا افرادی که گمنام هستند و خیلی در ارتباط با آنها صحبت نشده است

البته باید نگاه به عاشورا مانند نگرشمان به قرآن، نگاه جامعی باشد. در دوره هایی مثل دوران مشروطه بیشتر با نگاه تجدد و ضدیت با خرافات، بحث عاشورا مطرح شده است

متاسفانه کارکردهای اجتماعی دین کمتر مورد ارزیابی و بررسی بسیاری از کارشناسان در حوزه علوم اجتماعی قرار گرفته است. انقلاب اسلامی ایران در واقع احیا گر کارکرد اجتماعی واقعه عاشورا بوده است